

نگاه اصلاح طلب

آشتی ملی و همبستگی ملی



جمیله کریمی

عضو حزب اتحادملت

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه ایران، هرچند خسارت‌های انسانی، امنیتی و اقتصادی ناخ و ناگوری را به بار آورد؛ اما حقیقتی عمیق را بار دیگر برای همگان آشکار ساخت: ظرفیت بی‌نظیر ملت ایران برای همبستگی در دفاع از وطن، در روزهایی که رژیم متجاوز صهیونیستی - با تکیه بر حمایت‌های نظامی، اطلاعاتی و رسانه‌ای غرب -تهاجمی تمام‌عیار را آغاز کرد، جامعه ایران با همه تکتگرهای سیاسی، مذهبی، قومی و فرهنگی، بدون توجه به مرزبندی‌های کلیشه‌ای «خودی» و «غیرخودی»، به شکل خودجوش و متحد، در کنار یکدیگر ایستادند. این همبستگی، نه از سر رضایت از وضعیت موجود، بلکه به دلیل درک عمیق مردم از مفهوم «ایران» به عنوان خط قرمز مشترک بود؛ اتفاقی که بحق باید آن را نقطه عطفی در بلوغ سیاسی و آگاهی ملی دانست. مردم -از مدافعان وضع موجود گرفته تا منتقدان و معترضان -همگی نشان دادند که در مواجهه با تهدید خارجی، اولویت را به وطن می‌دهند؛ و این دقیقاً همان «اسرمایه اجتماعی نهفته»ای است که متأسفانه در سیاست‌گذاری‌های سال‌های اخیر نادیده گرفته شده است. اکنون، مسئولیت تاریخی نظام سیاسی آن است که با درک عمق این پیام اجتماعی، مسیر آشتی ملی را نه فقط به مثابه یک مصلحت تاکتیکی، بلکه به عنوان ضرورتی راهبردی برای بقا و توسعه کشور در دستور کار قرار دهد.

➤ **اصلاح ساختار نظام حکمرانی و پذیرش تکتگر واقعی جامعه ایرانی:** جامعه‌ای که در روزهای جنگ این چنین متحد ظاهر شد، سزاوار حکمرانی‌ای متکثر، پاسخگو و مشارکت‌محور است. تحقق این آشتی اما نیازمند الزاماتی است که بدون آن، انسجام ملی در فردای پساجنگ نیز شکننده خواهد بود. آشتی ملی زمانی معنا و دوام می‌یابد که تکتگر آراء، ساریق و سبک‌های زندگی به عنوان واقعیتی انکارناپذیر پذیرفته شود. امروز ایران، کشور ۹۰ میلیون شهروند با تنوع گسترده فرهنگی، قومی، زبانی و اعتقادی است. بی‌توجهی به این تکتگر، همواره عامل بحران بوده؛ برعکس، پذیرش تنوع در نهادهای انتصابی و انتخاباتی، شرط نخست بازتاب اراده ملت در نظام تصمیم‌گیری است.

➤ **گشودن فضای سیاسی و بازسازی نهادهای مدنی و رسانه‌ای:** امروز دیگر نمی‌توان با ابزارهای قرن گذشته، ملت آگاه و شبکه‌مند قرن ۲۱ را مدیریت کرد. صدوسیما که سال‌ها به قطبی‌سازی و تک‌صدایی دامن زده، باید خود را با اقتضائات حکمرانی مدرن تطبیق دهد. جای تحلیل‌های کارشناسان بعضاً کم دان با ذهن‌های فرسوده و رویکرد امنیتی، باید به مناظره‌های واقعی، تضارب آراء و تولید محتوا با رویکرد اقناعی داده شود. این رسانه، اگر قرار است «ملی» باقی بماند، باید بازتاب‌دهنده صداهای مختلف ملت ایران باشد، نه ابزاری برای انکار و طرد مخالفان سیاسی و منتقدین.

➤ **پایان دادن به بر خوردهای امنیتی با منتقدان و اعلام عفو عمومی:** ادامه روند صدور احکام سنگین برای منتقدان، و ابقای عناصر ناکارآمد و بعضاً سالخورده نشانه ضعف و ناتوانی در مدیریت تکتگر اجتماعی است. در نقطه مقابل، آزادی زندانیان سیاسی، رفع حصر، و اعلام عفو ملی، می‌تواند نقطه آغاز بازسازی اعتماد عمومی باشد. انتظار این بود که پس از دیدار اخیر مسئولان قضایی با مقام رهبری، به جای تشدید فشار، پیامیدبخش مخابره شود.

➤ **تغییر پارادایم از حکمرانی امنیت‌محور به حکمرانی مدنی:** در جهانی که مشروعیت نظام‌ها، بر «میزان رضایت مردم» استوار است، تداوم حکمرانی امنیت‌محور نه تنها ناکارآمد، بلکه پرهزینه و بحران‌آفرین است. کشور به حکمرانی‌ای نیاز دارد که در آن نهادهای مدنی تقویت، مشارکت سیاسی واقعی شود، رسانه‌ها آزاد و تخبگان به جای طرد، جذب شوند. همان‌طور که رئیس‌جمهور اذعان کرد، طرد تخبگان و انگ‌زنی به آنان، دقیقاً همان چیزی است که دشمن خواستار آن هستند.

➤ **دیپلماسی فعال در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی:** هم‌زمان با بازسازی درونی، کشور باید در سطح منطقه و جهان نیز دیپلماسی هوشمند، حقوقی و رسانه‌ای خود را تقویت کند. ضمن تأکید بر میز مذاکره در چار چوب منافع ملی، جنایات رژیم صهیونیستی باید مستندسازی و در مجامع بین‌المللی پیگیری شود. مطالبه غرامت، معرفی جنایتکار جنگی، بخشی از راهبرد دفاعی -سیاسی کشور در پساجنگ است.

➤ **آتش‌بس بدون ضمانت، امنیتی ناپایدار:** آتش‌بس اعلام‌شده، اگر چه موقتاً از شدت درگیری‌ها کاسته، اما بدون سند مکتوب، نظارت بین‌المللی و ضمانت اجرای حقوقی، یک تعلیق موقت است، نه امنیت پایدار. نتایج‌ها با پشتیبانی نوحفاظه کاران آمریکایی و برخی کشورهای دیگر، به دنبال مهندسی ژئوپلیتیک جدیدی در غرب آسیاست؛ پروژه‌ای که از تجزیه کشورها تا ساختن موازنه‌های جعلی را در بر می‌گیرد. در برابر چنین تهدیدی، صرفاً قدرت نظامی کافی نیست. قدرت نرم، انسجام ملی، دیپلماسی چندلایه، و توان رسانه‌ای، مؤلفه‌هایی حیاتی‌اند که بدون اصلاحات داخلی، نمی‌توان از آن‌ها بهره‌برداری مؤثر کرد. مردم، در این جنگ، سنگ تمام گذاشتند؛ اکنون نوبت حاکمیت است که قدر این همبستگی را بداند. به تعبیر جمله مشهور اینشتین: «ما نمی‌توانیم مشکلات امروز را با همان شیوه‌های فکری حل کنیم که آنها را خلق کرده‌ایم.» آشتی ملی، نیازمند بازاندیشی بنیادین در شیوه حکمرانی، بازتعریف نسبت دولت و ملت، و بازسازی فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است. اگر این تحول صورت نگیرد، فاصله میان دولت و ملت، از یک شکاف اجتماعی، به یک گسل امنیتی تبدیل خواهد شد. ملت ایران نشان داد که قدرت حقیقی، نه در حلقه‌های محدود، بلکه در اراده مشترک ۹۰ میلیون ایرانی عاشق وطن نهفته است. اکنون زمان آن رسیده است که حاکمیت با پذیرش تکتگر این واقعیت را به رسمیت بشناسد.

که با زور نمی‌توان حجاب را بر سر مردم گذاشت، با زور هم نمی‌توان آن را از سر برداشت. امروز ۸۰ هزار مسجد در کشور داریم و به ازای هر ۱۰۰۰ نفر یک مسجد وجود دارد، بنابراین می‌توان با منطق و گفت‌وگو این موضوع را پیش برد. امروز حتی با دختر خودم هم نمی‌توانم با زبان زور صحبت کنم و باید با گفت‌وگو و همراهی، موضوعات را پیش برد. نباید به دنبال دین‌دار کردن اجباری مردم باشیم. باید آنان را به سمت هدایت سوق دهیم، نه اینکه با رفتارهای نادرست در جامعه تنفر ایجاد کنیم. در جریان جنگ ۱۲ روزه، افرادی با پلاکاردهای «جانم فدای رهبر» و «مرگ بر اسرائیل» به خیابان آمدند و از کشور دفاع کردند که تصور آن را هم نمی‌کردیم. سال ۱۴۰۱ را به یاد بیاورید که به دلیل یک اشتباه، به رهبری بی‌احترامی شد، اما امروز در تمام تجمعات بدون استثناء همه از رهبری دفاع کردند و «جانم فدای رهبر» گفتند. این تفاوت، یک دستاورد است. اقدام سال ۱۴۰۱ یک رویداد بود و اقدام سال ۱۴۰۴ رویدادی دیگر.»

او افزود: «معتقد به بی‌جایی نیستیم و نخواهیم بود، اما با زورگویی و تحمیل مخالفم و چنین روشی را بلند نیستیم. حل مسئله حجاب باید از مسیر مدرسه و مسجد آغاز شود. بسیاری از روحانیون در مساجد و مدارس حضور دارند و رسانه ملی نیز باید با فرهنگ‌سازی و تولید محتوای درست، در این زمینه نقش‌آفرینی کند. موضوع حجاب در خیابان قابل حل نیست. البته معتقدم برهنگی هم امری پسندیده نیست و باید چار چوب داشته باشد، همان گونه که در سراسر دنیا چار چوب دارد.»

➤ هماهنگی کامل دولت چهاردهم با رهبری

پزشکیان با تأکید مجدد بر هماهنگی کامل تصمیمات دولت با مقام معظم رهبری تأکید کرد: «نفت ما را تحریم کرده‌اند و روز به روز مانع ایجاد می‌کنند. در این شرایط «هم یار طلب کنی هم سر خواهی» یا باور و استقلال را بخواهید یا چیز دیگری. اگر استقلال را می‌خواهید باید بسیاری از موضوعات را تحمل کنید. من تصور نمی‌کنم با دعوا بتوانیم به جایی برسیم. می‌گویند صلحی که دشمن دعوت کرده را رد نکن. کسی نمی‌گوید وقتی بروم گفت‌وگو کنم یعنی تسلیم شدم. اصلاً در ذات ما تسلیم شدن نیست اما چه کسی گفته از گفت‌وگو بترسی؟ حرف نمی‌زنم. گفت‌وگو نمی‌کنم. خب می‌خواهی چه کار کنی، بچنگی؟ خب آمد زده و دوباره درست هم بکنیم هم می‌زند. یکی بگوید مذاکره نکنیم، چه کار کنیم؟ این مسائلی نیست که احساسی با آن برخورد کنیم. این را بگوییم که هر اقدامی با رضایت و هماهنگی مقام معظم رهبری انجام خواهد شد. از نظر علمی و اعتقادی معتقدم کاری را که خلاف‌نظر مقام معظم رهبری باشد، نباید انجام داد و انجام هم نخواهم داد. هنگامی هم که نظر مقام معظم رهبری عنوان شد، دیگر نباید بهانه‌گیری کرد، بلکه باید به نفع مصلحت کشور و مردم سخن گفت. امروز با کمک رسانه‌ها و همراهی مردم می‌توان در حل نارتاز‌ی‌ها و چالش‌ها گام برداشت. تمام توجه دولت این است که هیچ تصمیمی نباید موجب زیر پا گذاشته‌شدن حقوق محرومان شود.»

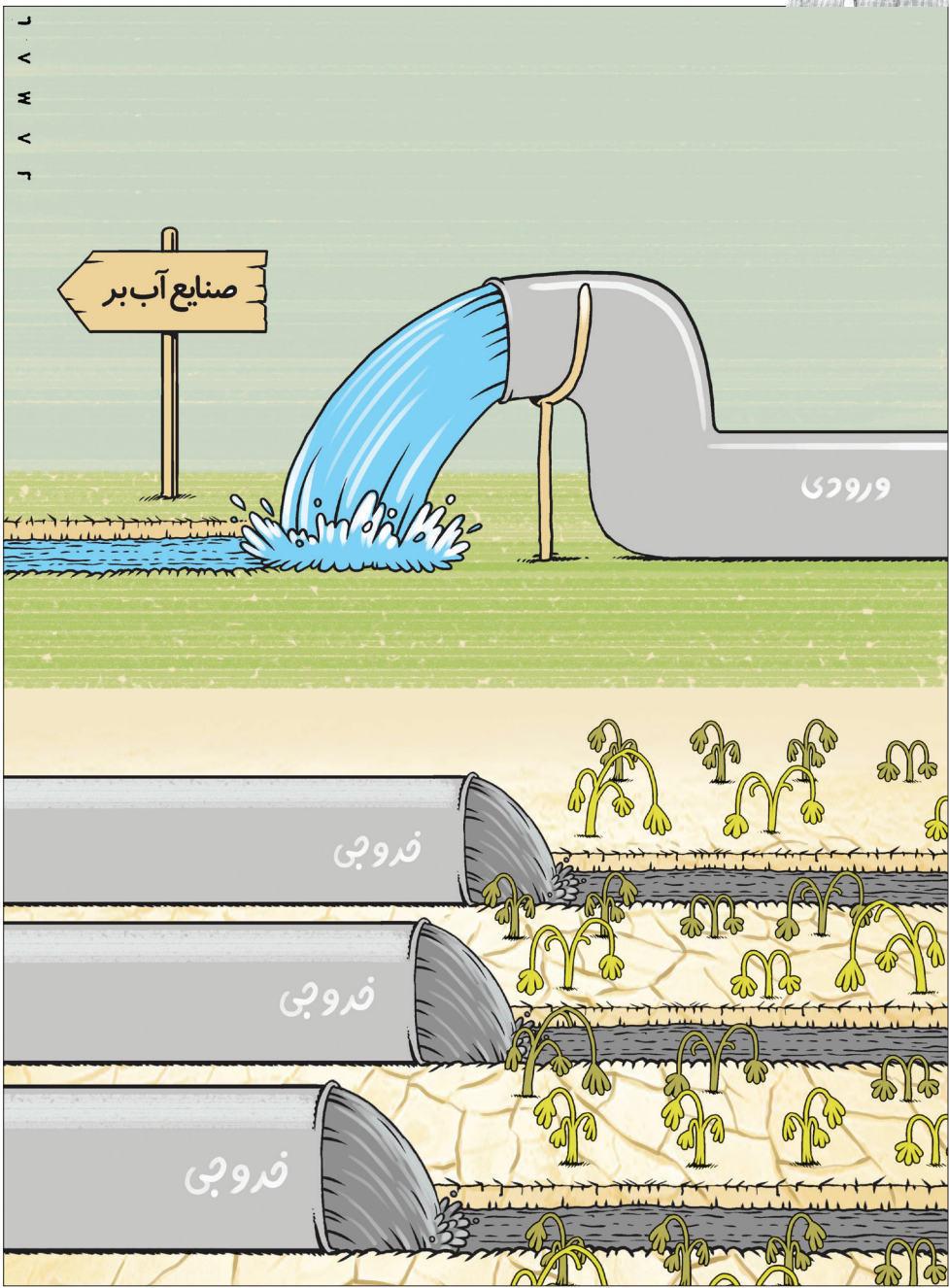
بود: «اظهارات اخیر عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، که در آن به مسائل داخلی لبنان پرداخته؛ غیرقابل قبول و محکوم است. این مسائل، به‌هیچ‌وجه به جمهوری اسلامی ایران مربوط نمی‌شود، تجاوز به حاکمیت، وحدت و ثبات لبنان و دخالت در امور داخلی و تصمیمات حاکمیتی آن محسوب می‌شود. روابط بین دولت‌ها، تنها می‌تواند بر اساس احترام متقابل و برابری، عدم دخالت در امور داخلی و تعهد کامل به تصمیمات نهادهای مشروع قانونی بناشود. کاملاً غیرقابل قبول است که از این روابط برای تشویق یا حمایت از طرف‌های داخلی خارج از چار چوب دولت لبنان و نهادهای آن و با هزینه کردن از آنها استفاده شود.»

➤ افزایش حساسیت روی ایران

جمهوری اسلامی ایران به عنوان حامی سنتی شیعیان و گروه حزب‌الله در لبنان شناخته می‌شود در چنین شرایطی، به طور طبیعی حساسیت بر اظهارات و اقدامات تهران بیش از قبل شده است. شرایط در لبنان برای شیعیان نیز حساس است. تحلیلگران بر این باورند که اقدام دولت لبنان برای حرکت به سمت خلع سلاح حزب‌الله این کشور را در آستانه جنگ داخلی قرار می‌دهد. چراکه موضع حزب‌الله نیز این است که سلاح خود را تحویل نخواهد داد. موضع حزب‌الله از دهه‌ها قبل این است که اسلحه آن به سمت اسرائیل نشانه گرفته شده و علیه مردم لبنان نیست و البته آن‌ها بر این نکته نیز تأکید می‌کنند که کنار گذاشتن سلاح نتیجه پایان اشغال است نه پیش شرط آن. همچنین با موج جدید خیز برداشتن دولت برای خلع سلاح، این مواضع از سوی حزب‌الله مطرح شده طراحان این موضوع به جای بازی با آتش، ازتش لبنان را به چنگند و موشک‌مجهز کنند که بتواند جلوی تجاوزهای اسرائیل بایستد. پیگیری خبرنگار هم‌میهن از یک منبع رسانه‌ای در بیروت نشان می‌دهد که با اظهارات اخیر، فضای سیاسی علیه ایران تندتر از قبل شده است. او در پاسخ به سوالی راجع به وجود زم‌زمه‌هایی مبنی بر اخراج سفیر ایران نیز گفت این تمایل و خواست سیاسی در جریان رقیب شیعیان و حزب‌الله وجود دارد اما به خاطر هزینه‌های آن، فعلاً امکان حرکت به سمت این اقدام وجود ندارد. اگر چه این رویدادها مربوط به روزهای اخیر است، اما فضای ضدایرانی در دولت لبنان از سال گذشته و اندکی پیش از آتش‌بس میان حزب‌الله و اسرائیل بالا گرفت. این فضا بعد از شکسته شدن بن‌بست سیاسی در لبنان، انتخاب رئیس‌جمهور جدید و شروع به کار دولت با پشتیبانی آمریکا و اروپا تندتر شد. به نحوی که مقامات لبنانی در مصاحبه‌ها و همچنین ملاقات با مقامات ارشد جمهوری اسلامی در بیروت طی سال گذشته، انتقادهای خود را به صورت علنی مطرح می‌کردند. موضوع بازرسی پروازهای ایران، احضار سفیر ایران به وزارت خارجه این کشور و افزایش فشار به حزب‌الله از جمله اقداماتی است که طی این مدت باعث بروز مشکلاتی بین تهران و بیروت شده بود. در چنین شرایطی، اخباری نیز مبنی بر تحرکات ارتش لبنان در مناطق شیعه‌نشین منتشر شده است. با توجه به در نظر گرفتن احتمال واکنش شیعیان و نیروهای حزب‌الله به مسئله خلع سلاح، از روز گذشته اخبار می‌گوید که واحدهای ضدشورش ارتش در مناطقی مانند بقاع در شرق، ضاحیه جنوبی بیروت و جنوب لبنان مستقر شده‌اند. این تحرکات در حالی اتفاق می‌افتد که اسرائیل نیز به عملیات پراکنده خود به عناصر گروه‌های مقاومت در نقاط مختلف از جمله لبنان ادامه می‌دهد. تحلیلگران بر این باورند که امکان دارد در صورت بروز جنگ در لبنان، این درگیری داخلی نماند و با ورود بازبگرانی مانند آمریکا و اسرائیل نیز همراه شود؛ اقدامی که دامنه درگیری را گسترده‌تر می‌کند.

سمفونی خطوط

جمال رحمتی



عکس نوشت

تصویر شو که کننده

درباره عکسی از شنا کردن آقای «کریستیان کاولیس» و خانم «مایر»

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

مغز ما به نشانه‌های خطر با اتفاق غیرعادی واکنش نشان می‌دهد. نمونه این واکنش‌های مغزی را احتمالاً در صفحات اجتماعی دیده‌اید. به عنوان مثال شما در حال دنبال کردن تصویری از یک سقوط هستید که ناگهان صورتی خلاف جهت به سمت شما می‌آید. در چنین موقعیتی شما در کسری از ثانیه دلتان هُری می‌ریزد، قلبتان به تپش می‌افتد و ناخودآگاه چشم‌تان بسته می‌شود یا صفحه نمایش را از خودتان دور می‌کنید و... در این لحظه در حقیقت قبل از اینکه منطق ذهنی وارد عمل شود، احساس کار خودش را کرده است. تصاویر شوکه‌کننده با ذهن و بدن ما چنین می‌کنند. شما به تجربه قبلی وقتی بدن بی‌جان کودکی را کنار ساحل دریا می‌بینید دچار شوک مغزی می‌شوید. تصور شما از دریا و کودک آرامش است و به همین دلیل است که در نگاه اول دچار خطای پیش‌بینی می‌شوید. اما درست یک لحظه بعد که متوجه می‌شوید بدنی که کنار ساحل افتاده است در حقیقت جسد کودکی مهاجر است شوک‌زده می‌شوید و بیشتر از آنچه باید تحت تأثیر قرار می‌گیرید. از این نمونه عکس‌ها در تاریخ عکاسی فراوان است با این حال هر بار که عکسی چنین ویژگی‌ای داشته باشد دوباره انسان را شوک‌زده می‌کند. دیروز در میان انبوهی عکس که خبرگزاری رویترز منتشر کرده بود ناگهان به عکس تسماح و مرد رسیدم. در همان ثانیه اول شوکه شدم و با اینکه در نظرم خیلی هم حرف برای گفتن نداشت توانستم بی‌خیالش شوم. هر کسی که اندکی عکاسی و تصویر سرش شود با دیدن این عکس متوجه می‌شود که عکاس به لحاظ ترکیب‌بندی تمام اصول تعادل و نقطه کانونی و... را رعایت کرده و در ضمن حواسش بوده که با انتخاب پس‌زمینه ساده و قرار دادن کاراکتر اصلی در موقعیتی نزدیک به نقطه طلایی در همان نگاه اول دخل مخاطب را بیاورد. نمی‌دانم دلیل این حرکت کار تبلیغاتی برای فلان برند است یا چیز دیگری. اما تصویری که مشاهده می‌کنید و در نگاه اول با دیدنش شوکه می‌شوید در حقیقت عکسی از کارمند سابق سیرک، آقای «کریستیان کاولیس» است که در شهر «المنهوس» آلمان در استخر روبازی همراه با «خانم مایر» که یک تسماح آمریکایی است مشغول شنا کردن است.



عکس: Reuters